

غرب عامدانه روی حرکت او کراین به سمت سلاح هسته‌ای چشم بسته است

چرنوبیلی به وسعت اروپا

اسا در عین حال برنامه دیپلماسی عمومی پنتاگون برای زمینه‌سازی هسته‌ای سازی او کراین را پیش برد. به جرات می‌توان گفت صحبت‌های زلنسکی و کولبا در روزهای اول و دوم اسفند بود که پوتین را واداشت شامگاه سوم اسفند آن تصمیم تاریخی را بگیرد که معنایش مشروعیت‌بخشی به ورود نظامی به کشوری بود که به قول او «آلت دست دشمنان روسیه» شده است.

پوتین در سخنانی که پس از امضای دستور تأمین امنیت منطقه دونباس او کراین با اعزام نیروهای حافظ صلح روسیه ایراد کرد، مستقیماً این تهدید را تشریح کرد. او به تفصیل گفت: «ما می‌دانیم بیانه‌هایی مطرح شده مبنی بر اینکه او کراین قصد توسعه تسلیحات هسته‌ای خودش را دارد و این بیانه‌ها یک لاف توخالی نیست. او کراین در حقیقت فناوری‌های هسته‌ای دوران شوروی و سیستم‌های شلیک چنین سلاح‌هایی را شامل سیستم‌های هوانوردی و موشک‌های تاکتیکی (نیمه‌استراتژیک) توکشی‌ها در اختیار دارد؛ سیستم‌هایی که سابقاً در زمان شوروی توسعه یافتند. برد آنها بیش از ۱۰۰ کیلومتر است اما آنها حتی سیستم‌هایی با بردهای بیشتر را توسعه خواهند داد و تنها نیاز به زمان بیشتر دارند. زمین‌های متعلق به دوران شوروی وجود دارد. بنابراین کار او کراین برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای بسیار آسان‌تر از برخی کشورهای دیگر - که اکنون آنها را نام نمی‌برم و چنین تحقیقاتی را انجام می‌دهند - خواهد بود. بویژه در صورتی که آنها از خارج حمایت در حوزه فناوری دریافت کنند و ما نباید چنین موردی را مرود بدانیم.»

رئیس‌جمهور روسیه همچنین به اروپا و جهان در این باره هشدار داد: «اگر او کراین به سلاح‌های کشتار جمعی دست یابد، وضعیت در جهان و اروپا به طرز چشمگیری تغییر خواهد کرد. ما نمی‌توانیم این خطر واقعی را بدون واکنش رها کنیم. به طور ویژه، تکرار می‌کنم حلیان غربی ممکن است به ظهور چنین سلاح‌هایی در او کراین کمک کنند تا تهدید دیگری برای کشور ما ایجاد کنند.»

به عبارت بهتر، تصمیم تزار جدید کرملین برای دخالت فوری در بحران او کراین، بر اساس نظریه «موازنه تهدید» - از دیدگاه استفن‌والث - بود.

نظریه «موازنه تهدید» در فضای توسط «استفن‌والث» پایه‌ریزی شد که اعتبار نظریه «موازنه قدرت» که در دوران جنگ سرد و نظم دوقطبی بخوبی می‌توانست وقایع آن دوران را تفسیر کند، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به تبع آن پایان سیستم دوقطبی و تثبیت آمریکا به عنوان قدرت فائز جهانی که منجر به عدم شکل‌گیری موازنه در برابر ایالات متحده آمریکا به عنوان هژمون می‌شد، مخدوش شد. والث معتقد بود دولت‌ها اگر چه از قدرت بلامنابع آمریکا نگرانند اما نه به قدرت این کشور، بلکه به تهدید آن واکنش نشان می‌دهند. این تهدید حاصل عملکرد ۴ رکن «قدرت انبوه، نزدیکی جغرافیایی، توان تهاجمی و نیت تجاوز کارانه» است. با این وصف، اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا و ناتو پس از جنگ سرد در او کراین که منطقه و حوزه نفوذ مستکو به شمار می‌رود، بر ادراکات و برداشت روسیه این تأثیر را گذاشته که همواره باید به تهدیدات موجود در او کراین پاسخ فوری داد (رجوع شود به مقاله «مسکو چگونه در او کراین موازنه تهدید ایجاد کرد»، علی‌رضا حجتی - «وطن امروز»، چهارشنبه ۲ اسفند، ۱۴۰۰، صفحه اول)

اینکه از این پس از تنش روسیه از دونباس و کریمه تا کجای او کراین پیش برود، مسلمان بسته به این است که آمریکا در بهره‌برداری خصمانه از او کراین علیه روسیه تا کجا پیش برود و اینکه آیا این تهدید سمت و سوی هسته‌ای خواهد گرفت یا خیر.

تشکیل یک نشست دعوت کند که عملاً در ۶ سال گذشته هیچ دیداری بین رهبران روسیه و او کراین انجام نگرفته و رابطه رسمی میان مسکو و کی‌یف نیز قطع است. می‌توان مطمئن بود حتی اگر روس‌ها هم دعوت زلنسکی را برای حضور در یک نشست کنایی برای بررسی توافق بوداپست در کنتر آمریکا و انگلیس بپذیرند، دولت دست‌نشانده کی‌یف، پیشاپیش این مجوز را از اربابان غربی‌اش گرفته تا پیمان مزبور را با فضا سازی



زمزمه هسته‌ای شدن او کراین تنها در لابه‌لای سخنان زلنسکی در کنفرانس مونیخ نبود که به گوش رسید. فردای آن، «دیپمتری کولبا» وزیر خارجه این کشور صریحاً به شبکه آمریکایی «سی‌بی‌اس» گفت تصمیم ۲۸ سال پیش او کراین در کنار گذاشتن سلاح هسته‌ای اشتباه بوده است. او ظاهراً از عدم مسؤولیت‌پذیری دولت بایدن در فراهم کردن تضمین‌های امنیتی بوداپست برای او کراین انتقاد کرد اما در عین حال برنامه دیپلماسی عمومی پنتاگون برای زمینه‌سازی هسته‌ای سازی او کراین را پیش برد

جناح اکثریت غربی به طور یک‌طرفه ملغی اعلام کند. عزم جزم ناتو به رهبری آمریکا برای توسعه قلمروی خود به یک قدمی مرزهای روسیه، استقرار تسلیحات هسته‌ای آمریکا در کشورهای نزدیک به او کراین از جمله رومانی و ترکیه و همچنین نزدیکی بسیار زیاد زلنسکی با سران تل آویو می‌تواند این کفوس را تعبیر کند. **روسیه و موازنه تهدید هسته‌ای او کراین**
زمزمه هسته‌ای شدن او کراین تنها در لابه‌لای سخنان زلنسکی در کنفرانس مونیخ نبود که به گوش رسید. فردای آن، «دیپمتری کولبا» وزیر خارجه این کشور صریحاً به شبکه آمریکایی «سی‌بی‌اس» گفت تصمیم ۲۸ سال پیش او کراین در کنار گذاشتن سلاح هسته‌ای اشتباه بوده است. او ظاهراً از عدم مسؤولیت‌پذیری دولت بایدن در فراهم کردن تضمین‌های امنیتی بوداپست برای او کراین انتقاد کرد

را تنها ابزار بازدارنده قابل اعتماد در برابر روسیه می‌دانستند. با این حال غرب می‌خواست روسیه جدید را با قول واهی عدم توسعه ناتو به سوی شرق سر جایش بنشانند و این تفاهتمانه حربه خوبی بود. پیمان بوداپست اما با بهره‌برداری از ضعف شدید دیپلماسی کرملین پس از فروپاشی، در نهایت زیرکی آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها به شکلی آشکار یک پیمان سست است.

کمدی مرثیه‌سرای هسته‌ای او کراین
خلع سلاح هسته‌ای او کراین پس از فروپاشی شوروی، شاید تنها خدمت واقعی «یوریس بلتسین» به عنوان نخستین رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه به روس‌ها و حتی کل جهان باشد، چون واقعا معلوم نبود اگر ۲ دهه پیش بمب اتم به دست یک کشور سر راهی و فاقد هویت ملی و تاریخی مستقل در کم‌کش اوراسیا می‌افتاد، با ظهور حاکمان آلت دست غرب در کی‌یف، چطور کره زمین در گیرودار یک جنگ هسته‌ای تمام عیار، یک زمهریر آخر‌الزمانی را سپری می‌کرد. به همین دلیل مرثیه‌ای را که چند روز پیش توسط «ولودیمیر زلنسکی» کمدین سابق و رئیس‌جمهور فعلی او کراین در اوج تنش‌ها میان این کشور و روسیه در رئای زرادخانه هسته‌ای پیشین این کشور سروده شد، می‌توان به مثابه یک «کمدی - تراژدی» در عالم نمایش دانست. این رجاله یهودی که ظاهراً بیشتر خود را یک اسرائیلی دواتشه می‌داند تا یک ملی‌گرای او کراینی - در نقطه مقابل فاشیست‌ها و نونازی‌های رایت سکوتور که بدنه ارتش این کشور را تشکیل می‌دهند - اول همین هفته اعلام کرد قصد دارد شرکت‌کنندگان در تفاهتمانه بوداپست - سندی که بر اساس آن او کراین زرادخانه هسته‌ای خود را از بین برد - را برای رایزنی فرا بخواند.

در حقیقت این بازیگر آلت دست سیا در کاخ مارینسکی کی‌یف، به دنبال آن است تا از چراغ سبزی که غرب به او کراین به عنوان زمین جنگ علیه روسیه داده است، نهایت استفاده را ببرد. زلنسکی که در کنفرانس مونیخ سخنرانی می‌کرد، گفت: «من پیشنهاد برگزاری رایزنی‌ها در چارچوب تفاهتمانه بوداپست را برای تأمین امنیت او کراین می‌دهم و وزیر خارجه او کراین مامور سازماندهی این رایزنی شده است. اگر رایزنی‌ها در چارچوب تفاهتمانه بوداپست بار دیگر برگزار نشود یا نتایج آن منجر به تأمین امنیت او کراین نشود، کی‌یف حق دارد اعلام کند این تفاهتمانه معتبر نیست و بسته تصمیم‌های گرفته شده در سال ۱۹۹۴ زیر سوال می‌رود.»

در زمان امضای تفاهتمانه بوداپست (۱۹۹۴) جمهوری تازه استقلال یافته او کراین یکی از ۴ جمهوری به جا مانده از شوروی محسوب می‌شد که دارای سلاح اتمی بود. ۳ جمهوری دیگر خود روسیه، بلاروس و قزاقستان بودند که زرادخانه‌های شان مستقیماً تحت نظارت اتاق فرماندهی راهبردی مسکو قرار داشت.

در آن زمان روسیه، آمریکا و انگلیس به عنوان ضامن‌های این تفاهتمانه - که حکم یک سند دفاعی را برای او کراین داشت - تضمین کردند از تمامیت ارضی این کشور حمایت کنند. حال به دنبال ضمیمه شدن شبه‌جزیره کریمه به روسیه و متعاقب به رسمیت شناختن شدن استقلال ۲ جمهوری خودخوانده دونتسک و لوهانسک در منطقه دونباس در شرق او کراین از توسط ۵ کشور روسیه، صربستان، کوبا، ونزوئلا و سوریه - و همچنین جمهوری چین روسیه و شورای انصاریه یمن - زلنسکی سوادی آن دارد به بهانه نقض توافق بوداپست، مجوز هسته‌ای شدن او کراین را از اربابانش در واشنگتن بگیرد. او در حالی می‌خواهد به بهانه بررسی مجدد مفاد توافق بوداپست از رهبران ای وزرای خارجه ۳ کشور ضامن آن برای



روسیه؛ او کراین تهدید هسته‌ای است نه ایران

حرف شویگو اما مقایسه تهدید هسته‌ای او کراین برای جهان در مقایسه با کشورهایی بود که غرب روی آنها دست گذاشته است. او گفت: «او کراین قادر به توسعه سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی و همچنین ابزارهای ارسال آن است.» وی خاطر نشان کرد توانایی‌های کی‌یف از تهران و پیونگ یانگ بیشتر است.

شویگو درباره تهدیدهای اخیر ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور او کراین که اشاره کرده بود کی‌یف می‌تواند از تعهد خود برای غیرهسته‌ای بودن چشم‌پوشی کند، فاش کرد این کشور هنوز توانایی‌ها و فناوری‌های کافی به ارث برده در اواخر دوره اتحاد جماهیر شوروی را در اختیار دارد تا سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی تولید کند. البته زلنسکی عامدانه از اشاره به این موضوع طفره رفت که ۲۳ مه ۱۹۹۲ یعنی تقریباً ۲ سال پیش از تفاهتمانه بوداپست، جمهوری تازه‌استقلال یافته او کراین با امضای

در روزهایی که بحث توافق هسته‌ای جدید میان ایران و ۴+۱ بر سر زبان‌ها افتاده، روسیه به عنوان یکی از کشورهای قدرتمند حاضر در مذاکرات جاری (وین ۸) احساس می‌کند با یک تهدید هسته‌ای عینی از سوی غرب مواجه شده است.

سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه حتی پیش از رهبر کرملین به این موضوع اشاره کرد. روز دوشنبه سوم اسفندماه، ساعاتی پیش از سخنرانی زنده پوتین درباره تهدید هسته‌ای او کراین در شبکه‌های تلویزیونی، شویگو در نشست ویژه شورای امنیت ملی روسیه (SBRF) که به ریاست پوتین برگزار و در نهایت به تصمیم‌گیری درباره به رسمیت شناختن جمهوری‌های روس نشین منطقه دونباس او کراین منجر شد، درباره این موضوع سخن گفت. وزیر دفاع روسیه در این باره حرف‌هایی زد که رئیس‌جمهور این کشور بعدتر به آنها ارجاع داد. مهم‌ترین



پروتکل لیسبون پذیرفته بود همه سلاح‌های هسته‌ای‌اش را به خاک روسیه عودت دهد. شویگو تصریح کرد: «در دوران کمونیس، توانایی‌های واحدهای راهبردی - هسته‌ای ارتش سرخ مستقر در او کراین نه تنها برای ایجاد تسلیحات هسته‌ای، بلکه برای حامل‌های پرتابی کلاهک‌ها نیز توسعه یافت. موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد توچکا-یو ساخت شوروی که توسط ناتو به نام Scarab B SS-21 شناخته می‌شود، جزو تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی محسوب می‌شوند. به غیر از کلاهک‌های معمولی، موشک‌های توچکا-یو می‌توانند موشک‌های هسته‌ای را حمل کنند.»

او در نهایت خاطرنشان کرد: «او کراینی‌ها دارای ساختار، فناوری و متخصصانی هستند که توانایی‌های بسیار بیشتری نسبت به ایران یا کره شمالی برای توسعه تسلیحات هسته‌ای دارند. در عین حال، برنامه‌های هسته‌ای ایران و کره شمالی برای سال‌ها توسط جامعه بین‌الملل که تلاش‌های قابل توجهی برای خلع سلاح هسته‌ای این کشورها انجام داده است، از نزدیک زیر نظر گرفته شده است.»

شبکه آر تی در گزارشی که درباره سخنان وزیر دفاع روسیه داشت، نوشت: «در حالی که پیونگ یانگ آشکارا هدف تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای را دنبال می‌کند و پیش از این نیز گمان می‌رود که زرادخانه کوچکی از سلاح‌های اتمی در اختیار داشته باشد، تهران هر گونه برنامه‌ای برای دستیابی به چنین تسلیحاتی را انکار و ادعا می‌کند برنامه هسته‌ای آن صرفاً اهداف غیرنظامی را دنبال می‌کند.»



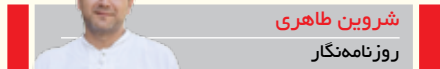
او کراین؛ عزیز کرده بولشویک‌ها

جمهوری سوسیالیستی او کراین در دوران شوروی مورد لطف بیش از اندازه رهبران کرملین قرار داشت. استپ او کراین به معنای اراضی کرانه یا حاشیه‌ای در اوایل قرن بیستم میلادی، هنوز یک استپ بزرگ و نه چندین توسعه‌یافته در میانه راه اروپا و روسیه باقی مانده بود. همان‌طور که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در سخنرانی اخیرش به مناسبت به رسمیت شناختن جمهوری‌های دونتسک و لوهانسک در شرق او کراین هم اشاره کرده، این لطف تاریخی ولادیمیر لنین، بنیانگذار نظام بولشویکی به او کراین بود که آن را برای نخستین بار به عنوان یک جمهوری، در چارچوب تعریف مدرن دولت - ملت به رسمیت شناخت. کشوری که تا پیش از آن وجود نداشت، ناگهان از دهه دوم قرن بیستم به عزیزکرده سران حزب کمونیست تبدیل شد و رفته رفته عنوان قدرتمندترین جمهوری اتحاد تازه تاسیس شوروی پس از خود روسیه را از آن خود کرد. دلایل این لطف بیش از حد کرملین به او کراین بسیاری‌اند. مهم‌ترین آنها را می‌توان دین تاریخی روس‌ها به نخستین حکومت تاریخ‌شان در کی‌یف در قرن دهم میلادی، نعمت بی‌پایان غلات استپ‌های حاصل‌خیز حوزه رودهای دن و دنیپرو، اتصال روسیه به آب‌های گرم (وضعیت پتر کبیر) از طریق سواحل جنوبی او کراین در دریای سیاه، دین رومانوف‌ها به کاساک‌های آزاد یا زاپروژنی - که در ایران آنها را با عنوان غلط فوج قزاق می‌شناسیم - ساکن او کراین برای قلمروگشایی در سه‌چهارم سرحدات روسیه تزاری در آسیا و در نهایت تعلق خاطر اکثریت یهودی کادر رهبری حزب کمونیست شوروی به ارض مقدس‌شان در او کراین بر شمرد. با همه اینها علت‌المعل و دلیل عملگرانه تصمیم لنین را باید بر اساس نظریه «تیم مارشال» مولف معاصر انگلیسی نظریه «جبر جغرافیایی» و نویسنده کتابی به همین نام، در اوهمه ژئوپلیتیکی همیشگی حاکمان مسکو از بی‌دفاع بودن استپ‌های غربی‌شان در مقابل کشورگشایان اروپایی دانست که او کراین بخش اصلی آن را تشکیل می‌داد. شاید به خاطر اهمیت ذاتی او کراین در چارچوب جهان‌بینی روسی حاکم بر شوروی بود که رهبران رهاخته از این استپ - «یکینا خروشچف» متولد این منطقه و «لئونید برژنف» که کشیده حزب کمونیست او کراین - بیشترین طول مدت زمامداری را در شوروی پس‌استالین تجربه کردند. این ۲ صدر متوالی پولیتبورو به مدت ربع قرن، در برخی زمین‌ها به کی‌یف در ساختار شوروی قدرتی حتی معادل مسکو بخشیدند، از جمله در زمینه بدل و بخشش از زرادخانه‌های هسته‌ای دومین ابرقدرت هسته‌ای قرن گذشته.

ژانویه ۱۹۹۲، تنها یک ماه بعد از فروپاشی شوروی، رئیس‌جمهور و وزیر وقت دفاع او کراین به فرماندهان نظامی دستور دادند که کشور جدید سوگند وفاداری یاد کنند که بسیاری از آنها که دلپشتی سرخ شوروی بودند، با این درخواست مخالفت کردند. در مقابل برخی فرماندهان ارتش جدید این کشور نوپا با خلع سلاح اتمی مخالف بودند و اصرار داشتند دست‌کم تعدادی از این سلاح‌ها در زرادخانه‌شان باقی بماند تا این کشور بتواند همچنان قدرت بازدارنده‌گی نسبی داشته باشد. سال ۱۹۹۳ بود که کی‌یف اعلام کرد در قبال واگذاری سلاح‌های اتمی و سنسنتیش به مسکو خواستار تضمین سفت و سخت امنیتی از جامعه جهانی است و این تضمین قلب توفیقی بود که اوایل سال ۱۹۹۴ توسط سران او کراین، فدراسیون روسیه، ایالات متحده و بریتانیا امضا شد. متعاقب آن رادا (پارلمان او کراین) روز سوم فوریه سال ۱۹۹۴ به طور مشروط موافقت خود را با تبدیل شدن او کراین به یک کشور عاری از سلاح هسته‌ای اعلام کرد.

در نخستین روزهای پس از پایان جنگ سرد، سیلوهای زیرزمینی در پایگاه‌های نظامی او کراین حاوی صدها موشک دوربرد بود که تا پیش از ۱۰ کلاهک هسته‌ای حمل می‌کردند و هر کدام بسیار قوی‌تر از بمبی بودند که هیروشیما را با خاک یکسان کرد. در آن زمان تنها روسیه و آمریکا سلاح‌های هسته‌ای بیشتری نسبت به او کراین داشتند. خارج کردن این زرادخانه هسته‌ای موفقیتی بزرگ در برنامه کنترل تسلیحات هسته‌ای به شمار می‌رفت و دیپلمات‌ها و فعالان حقوق بشر، او کراین را نمونه شهروندی نمونه در جهان قدرتهای هسته‌ای می‌نامیدند که از سلاح‌های هسته‌ای خود برای ایجاد صلح و ثبات دست کشید.

به رغم اصرار روسیه بر خلع سلاح هسته‌ای او کراین و تحویل سلاح‌های هسته‌ای‌اش، نه کی‌یف و نه واشنگتن نسبت به خلع سلاح اتمی این کشور حس خوبی نداشتند، زیرا آن



شروین طاهری
روزنامه‌نگار

آیا یک فاجعه بسیار بسیار بزرگ‌تر از چرنوبیل به ابعاد کل او کراین در انتظار اروپاست؟

منطقه جنگلی چرنوبیل درست در تاج شمالی او کراین، ۳۶ سال پیش تاج افتخار طبیعی و صنعتی نظام سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی بود. پس از انفجار قلب راکتور بلوک ۴ نیروگاه هسته‌ای مشهور شهر پرپیات، مرکز مسکونی این منطقه تا امروز تبدیل به شهر ارواح شده و نام «چرنوبیل» هم معادل بزرگ‌ترین فاجعه غیرنظامی «انسان ساخت» تاریخ معاصر اروپاست.

شامگاه ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ بر اثر انفجار در راکتور اتمی پرپیات، مواد رادیواکتیوی که برای ساختن ۱۰۰ بمب اتمی لازم بود به یکباره ظرف چند روز آزاد شد.

فاجعه چرنوبیل در تاریخ معاصر به عنوان دومین فاجعه هسته‌ای پس از حادثه اتمی فوکوشیما (۲۰۱۰) در جهان‌پندگی شده است.

بر اساس اعلام مقیاس گر رویدادهای بین‌المللی هسته‌ای و رادیولوژیک، این رویداد در بالاترین مقیاس گروه شماره ۷ طبقه‌بندی شده، یعنی یک «حادثه عظیم» که با انتشار عمده مواد رادیواکتیو با اثرات گسترده بهداشتی و زیست‌محیطی نیازمند اقدامات برنامه‌ریزی شده فوری و طولانی‌مدت جهت مقابله با آن است.

در مقام مقایسه با نشر رادیواکتیوی ناشی از انفجار «مرد چاق» و «پسر کوچک» که توسط آمریکایی‌ها بر سر مردم هیروشیما و ناکازاکی ریخته شد، نش چرنوبیل ده‌ها بار خطرناک‌تر بود و مناطقی به وسعت هزاران برابر مساحت شهر پرپیات را آلوده کرد.

بر اثر این فاجعه در منطقه شرق اروپا، قریب به ۵ میلیون نفر نه فقط در جمهوری سوسیالیستی او کراین و مناطق جنوبی روسیه و بلاروس، بلکه در سراسر اروپا آسیب دیدند. حدود ۵ هزار مرکز مسکونی در بلاروس، او کراین و روسیه با ذرات رادیواکتیو آلوده شدند که از میان آنها، ۲۲۱۸ شهر و روستا با جمعیت حدود ۲.۵ میلیون نفر در محدوده او کراین قرار داشتند. همچنین جمعیتی تقریباً به همین اندازه در کشورهای فنلاند، سوئد، نروژ، لهستان، بلغارستان، مولداوی، رومانی و حتی انگلستان نیز در نتیجه حرکت ابرهای آلوده رادیواکتیوی و باران‌های سمی ناشی از آنها آلوده شدند.

مقامات وقت پولیتبورو، هیات حاکمه شوروی که آن زمان با وجود روی کار آمدن میخائیل گورباچف جوان از پس مرگ‌های متوالی چند رهبر سالخورده، هنوز شهرتش به عنوان «سران سالمندان» را حفظ کرده بود، بلافاصله عملی نمود کرد تا از پخش هر گونه خبر درباره این فاجعه که حتی فاصله زیادی از خود کرملین نداشت نیز معانعت به عمل آورند اما نه تنها در ایجاد آسانسور و طبیعی فاجعه چرنوبیل تغییری به وجود نیامد، بلکه این افتضاح نتایج سیاسی و بین‌المللی عظیمی هم به وجود آورد و سرطان ناکارآمدی و دروغ‌نظم مارکسیستی را دامن زد به طوری که خود امپراتوری شوروی و اقمارش تنها ۶ سال پس از متلاشی شدن نیروگاه بدنام او کراینی، متلاشی شدند.

مینی‌سریال تأثیر گذار چرنوبیل محصول ۲۰۱۹ شرکت‌های اچ‌بی‌ا (آمریکا) و اسکی‌ا (بریتانیا) به این فاجعه می‌پردازد و با آنکه مشخص نمی‌تواند نگاه کینه‌توزانه آنگلوکس‌سوتنی‌اش از شوروی را پنهان کند اما در مجموع روایتی نسبتاً منصفانه و نزدیک به واقعیت ارائه می‌کند. روایتی که گویی ۳ دهه پس از فروپاشی شوروی، به سرمایه‌داری حال زوال آمریکایی - انگلیسی و حاکمیت سالخورده متفرعن و پنهان‌کارش نیش می‌زند. پیام سریال را می‌توان جاری و ساری در زمان دانست. بویژه آن دیالوگ معروف: «هر دروغی که می‌گویم یک بدهی به حقیقت است اما امروز با فردا باید این بدهی را پرداخت.»

۳۶ سال پس از پرده‌پوشی سران کمونیست کرملین به خیال رف و رجوع فاجعه چرنوبیل، حال این کاخ سفید است که می‌خواهد چرنوبیلی به بزرگی کل کشور او کراین را کتمان کند. فضا‌سازی رسانه‌ای در مورد آسیب احتمالی به یکی از ۱۴ نیروگاه هسته‌ای فرسوده او کراین را فراموش کنید چون قطعا اگر روند هسته‌ای سازی دولتی بی‌ثبات و آلت فعل مثل کی‌یف توسط آمریکا و ناتو به همین شکل ادامه یابد، بدهی غرب به تاریخ بشری جبران‌ناپذیر خواهد بود.